

۹

*Handwritten scribbles*

نشریه

امنیتی - نظامی

پنجاه

# فهرست مطالب:

۱- مقدمه

۲- بررسی و علت بامی نهم تحلیلی

ضربات اخیر از نظر گاه تالستی

۳- صمیمه (مستقل بر بعضی اخبار و پیش نه تکمیل متن شماره ۱۲)

در نشریه انجمن نظامی شماره قبل در ارتباط با بارفراست <sup>گروه</sup> پستی سیر و سایر نهادی  
 سعی شده بود تا چنانچه بیان برخی از فریادها و دلایل سیر و پستی از نقدی ایران  
 با نفوذ گروه پستی سیر و سایر نهادی را بطوری که در مجموع است از طریق نوشتن داده شود  
 اینست حال در این نشریه اشکالات و نواقص متعدد و بارز - ولو از سیه نقد  
 مختصری فریادها و دلایل گاه بگفته اند که در کارها با این مسئله گشت راه پستی  
 و حقوق دانگ است که فکری کنیم امروزه آنچه به روشنی آشکارا اشکالات و نواقص  
 موجود در این سه طبع رؤسای آنها - مستتر است آنها - گفتند که این

دعا اشکال خودی در نوشته عبارت بود از:

- ۱- در عقیده به ذهنی که می نویسد مطلقاً گرامی است و این معنی که در متن سیر نوشته  
 گوشه سیر آورده شده است و به صورت هم فریادها را بنحوی که در ارتباط با نفوذ گروه پستی قرار  
 دهد و از این قرار طرح کلی هر دو در حد و حاکم جنبه است و از این ذهنی گرامی  
 بعوض است به حال علاج در سیر انجمنی را بطوری که فریادها با نفوذ گروه پستی در  
 آن ایضا در دست مطلق نظر در نشریه قبلی نمی تواند از امر سیر باشد (ذهنی گرامی)
- ۲- در لیل احسنی که افشاح حدیث کرده پستی سیر و سایر نهادی است و رفع بطلان  
 اضطراری است تا اثر این مسئله قرار گرفته و گفته این عمل در نشریه ذهنی گرامی  
 شد و واقع شده است. لذا ما در این نشریه سعی کرده ایم تا آنجا می که (افشاح  
 در خصوص اینها) برای آنچه در زمینه تکلیفی میدهد را بطوری که مسئله فریادها

وارد آمدند و با اشکال متعددی از آنست که در نسخ کتب آنجا نوشته شده است

بسیاری در نسخ کتب از طریق نقل نقل شده است، نسخ کثیر از طریق نقل نقل شده و از حقوق صرف است و در آنجا که نسخ کثیر از طریق نقل نقل شده است (کتاب اوله...)  
برسته <sup>تعمیر</sup> در آن در آنم. ① در کتب حنیف و بطار و مشروطیه و غیر این که در عهد و طائف حنیف  
سازده، نظرها و مسائل سیاسی استراتژیک از آنجا بود و در سطح حنیف نقدی از قرار  
دارد با <sup>تعمیر</sup> دست و پا بر سر اعلی که ضرورت دیگرگون در پایه از اجتماع و الفتنه ای  
عقب بر دامن سازده تا در وجهها از نقدی در مبارزه از برای انطباق با شرایط  
سیاسی - استراتژیک و عملی در از قلم سازده است با <sup>تعمیر</sup> کتب که از آنجا سرحدت با <sup>تعمیر</sup> است  
و کشف عهد و تاریخ تا تاریخ نیز در این فن سازده با پیش سیاسی در حقیقت از تاریخ  
شریطه نظرها بر روی و زنده از این فنون را با <sup>تعمیر</sup> کتب که در این امر هیچ کاره از این

① - در اینجا لازم تبدیلات است که ما هنوز در جریان تحلیل که پس از آن اجتمای اطراف است  
درست و موثقی از کتب و کتب و حقیقتی جزای است و در آنجا که سازده از هر یک از این حقیقت  
در تمام اقصای که از این جزای است با نقد و کرده پیشی نهادن داشته قرار گرفته ایم و لذا  
از این باب اظهار نظر جمعیست که

⑤ - ایضا روشن است که ما در این کشور و دنیا بوی رنگی کار و هدفی که در آن دنبال  
میکنیم (کشف قانون بندی فن مبارزه با پیش سیاسی، کشف عملیات استراتژی  
فدائی علیه...) از هر دو جنبه به آن مستند است و احتیاجی است که در روشنی و حقیقت  
سیاسی - استراتژیک این جزای است را با <sup>تعمیر</sup> کتب و ضرورت دیگرگون در پایه ای و



نشریه محمد تا کنون نظرگاهها را تا کنونی به کشف علی - آئین نامه کی فرزند - اخبر

پرواخته ایم و اگر چه در همین رابطه جهت ارتقا و تا کنونی وصول مبارزه با بیگانه‌ها

ایران را چه ما می - تا کنونی - را پیش روی رفقا قرار داده ایم - با بزرگی کار نشریه

انسانی - قطعی با این وصف با در نظر تا کنونی داریم که تنها زمانی می توانیم بطور یقین

و حقایق من نسبت اربابان تا کنونی این مرحله از جنبش انقلابی را از سر تا سر کنیم

که در کام اول با اخیانان موجود در عین و نظرگاهها را میسازیم - استوارتر

" وحدت تا کنونی نیست با " ! " تعالیات انجمن طبینه و نسیم طبینه ... "

و این همه ها را اجتماعی و انگیزه غیر پروردگار چه در طبینه و در این است

موسسه در سطح کل جنبش مبارزه با امانی را آغاز کنیم

خودستفانه امروز همانند گذشته ① در سازمان ما این تفسیر بر سر داده شده

است و از این روی در شناختن لای از سازمان که فریب خورده اند با ارا که محسن های از

← و انگیزه غیر پروردگار سازنده و در هر حال انقلابی را برای انقلابی با این است

متولد میسازیم - استوارتر که مرحله جدید طلب می نماید و دریم

① - ما هم سرفه ۲ محسن های تغییر خنده با بیگانه ها محسن های صلح ،

محسن فرجه ، با سر در تصویر که از پیش رو - که چگونه رفقا در بر روی محسن

شکست و فریب با هست این در نظر که - حقیقت آن را حور رنگا می قرار داده اند

جانب رفقا و همسایگان که در بررسی ضرب و از دست رفتن یک رفیق - منظر از  
 ماهیت سیاسی - استراتژیک ضرب - در عین حال در محیط قوانین جاری و عین کار  
 کشف و عفت یابی رابطه میان ضرب با فصل طبقه و بویژه با اجتماع و انگیزه های  
 غیر پرولتری مبارزه شان برآخته اند. ①

نظارت بر روش مبارزه استراتژیک این مرحله از جنبه درسیکرافتی و خلق مائنه از برای چنین  
 شیوه برخوردی است که پایه های ماری فوم، کشف و تکامل قانون مبارزه و  
 غنک مبارزه با پلیسی سیاسی ایران مستر گردیده و میتوان آنها را بطور پویایی در عمل مبارزه  
 کرد، در فیر انضورت کف تکامل و کاربرد پویای فکون مبارزه هر گاه چه چیز  
 دیگری نخواهد بود.

در واقع در یک کلام امروزه حل مساله اتهامات فاکستی و شکستی  
 بن نسبت از این معیاره حل مسائل مبرم و ضروری تر مبارزه با انحرافات  
 و نظرگاه های سیاسی - استراتژیک و پایه های اجتماعی و غیر پرولتری  
 انگیزه های مبارزاتی نیروهای موجد در سطح جنبش انقلابی قابل مقول خواهد بود.

\* \* \*

② - رفقای هم تیم لبروز - از همین نظرگاه در ارتباط با از دست دادن رفیق لبروز  
 در روزی سوراختنی از این ضرب و عجل آورده اند که در انتهای نشریه مدخل خواهد  
 کرد



« بررسی و علت یابی نیمه تحلیلی ضربات

« اخیر از نظر گاه تاکتیکی »

ضربات وارده بر پیکر جنین گرفته می ایران - در جدول سمت راست این کتاب  
 شده می از جمله در ستون شده و فاصله ختم تاکتیکی دشمن و پس می ایران و این جهت  
 نامعلوم و تیر از این جهت گرفته می بکار گرفته می در این جهت گذاشت. از آنجا می  
 که بررسی این تاکتیک در خدمت ارتقاء و فن مبارزه با پلیس می می باشد  
 در نتیجه روشی بهتر می گردد تا ضربات اخیر از نظر گاه تاکتیکی نظیر نیمه تحلیلی مورد بررسی  
 و علت یابی قرار دهیم. با هم که این بررسی را در مجموع حاصل از آن در خدمت  
 ارتقاء و حربه بیشتر فن مبارزه با پلیس می قرار می



تقریباً به بیشتر رفتاری هسته فزونی توسط آموزش تعقیب و مراقبت می  
 نظر قرار می گیرد و علم این ارتقاء هسته در چند جهت تمامی با یکدیگر از خود را می کند  
 می نماید و تا می گردد قدم جلو را یک می سازند با این حال در این زمینه پیش می  
 نامت و سایر فنون آن در گرفته ..... جهت انتقاد در شرحی در این نگاه ①  
 در کوه و حمله با ② در حمله تکمیلی با یک ③ در ارتقاء ④ در حمله تاکتیکی ⑤

با گره های دیگر ..... رفتار و عادت در میان در در میان بین رفتاری هسته و غیره

① - رضی اسیر ... که هم با یکدیگر سینه اندک آهنگ لغو صبح روز جمعه ... محبت گرفتن سلامتی با نگاه داخل و نگاه مشغول (قبل از رفتن به با نگاه سدهای خود را بزرگ) در حال توسط مامورین است که بار را سنگین می کنند تا بزرگتر شود به طور ملاحظه طبق قرار قبلی با رضی

المی قرار برده رضی استیانت است که بعد از ظهر ساعت با نگاه بزرگ (بقیه در این معنا)

② - رضی و همی در اسم مستعار از رفتار هسته رابطه هسته با رفتار گرفته شده بود است در جدول اجرای یکی از قرارها می که با رفتاری محدود است داشته سه قرار هر دو نظر سنگین می شوند منطقه قرار خیا با این نظام آید و در این بخش گفته شده است رضی و همی

③ - رضی مانده وقت اجرای قرار رفتار محدودی سلم بوده و در حین این از برای رفتاری هسته چندان به لبه است

④ - رضی محبتی آلا ریوس در حین و در گره مشغول

⑤ - یکی از رفتار هسته - که همگی یکبارگی برفته - می به همین گونه حرکت مشغول در طول حوش با نگاه هر سیرد با طرح این است برای رضی المی آهنگ قرار می شود در حین با نگاه را تخمین کنند آن از آنجا که هم در وقت بوده قرار می شود در این با نگاه از تخمین کنند این رضی منفی صبح سه قرار حاضر می شود

بقیه ① - اما تا ساعت بعد از ظهر المی آهنگ با یکی عدالت سلامتی با رضی و در حین رفتاری

گرد است بوده و از طرف عدالت وقت خود را با با نگاه (صبح) زده بود به بنام در اسر

عدالت تا ساعت بعد از ظهر در هر دو در با نگاه به تدریج در است با رضی رفتاری هسته

طی تحقیق تا که بعد آورده بودند روشن گردید و در حین با المی از این رفتاری در با نگاه هستند

با نگاه در روز هجوه و محبت که با روز آذران با نگاه سیر می شود آن در وقت است و ...



دسته در کتب غیره آورده که به شهادت رفقای اجماع نموده با...  
 معتدب آلا در پیش ( )

در این مضمون تا کنون فریاد و درد در رفتار همنه با اجماع است و در آن وقت که حاله لغو زبانی  
 در این متن نیز در غیره نفوذ است. انقدر مستقیم نیست از طریق عضو کثیر و کمترش می رود و کثیر یا  
 نفوذ غیر مستقیم از طریق تانس که بسیار مستعد با گروه خاص مذهبی نظیر انجم ۱۴۴ و ( )  
 و از طریق تانس با همه تانس آلوده وقت نظر نیست و منتهی است. حاله و منتهی است در آلا در پیش  
 رواج و کوران فریاد و تعبیه می که هسته است در هر دو رتبه کثیر با کمی است و همی لغو  
 با و فتنه و عصبانیت نظارت و با تانس کثیر ( ) از این گروه مستعد و مستقیم گفته تر از  
 غیر محسن فریاد است آنها را در بطن کثیر در مورد و کتب این نفوذ حداقل و بنام کتب دلیل  
 قطع میوه است ( ) که گروه پیشی کثیر در نهادی از همنه سرخ های داشته است  
 و جمع کثیر به غیر که رفیق قدر می در مورد است با گروه پیشی کثیر در نهادی با غیره  
 در در رفیق و همنه است در آلا در پیش - در صبر ( ) بهار است ( ) در ( )  
 سرخ کثیر در از طریق عضو کثیر و تو هم در نهادت هم با کمی تانس آنها  
 را کرده غیره ( ) نظیر بازار و در حدین ، ... و عده تو هم بهار است و کثیر  
 کثیر و بقیه

۱۵ - رفقا آنجا هستند که در آلا در پیش - که به هر دو که خانه با کمی کثیر ۱۴۵ -  
 به کثیر غیره از طریق اجازت قرار که با هر دو طایفه اسلام را شنیده و در آن وقت که کثیر  
 این مضمون نیز به کثیر است از طریق عضو کثیر آنجا هستند از همنه و کثیر و کثیر ۵۰ و یا این  
 کثیر از طریق ( ) از تانس کثیر با همه تانس آلوده با عضو کثیر که کثیر کثیر است

همینطور که در کتاب حساب نشده و غیر مطمئن آورده با و سرخ نکرده است منطقه اوست حسنی  
 فردن از روی قیافه ① ..... مجرده موارد آورده است که رفقای هسته را علی بن ابراهیم  
 سازهای چندین باره گروه باز هم در حدیث پیشین بیان کرده داشته است.

در خانه اوست که است از بررسی عملی تا تکلیف ضربات دارد بر رفقاست هسته از آن به آزار است  
 که چون نقد در از رفقای هسته غیر مسلح بوده اند و پس از تسلیت رفقای از این جهت با  
 شکر بوده است لذا برای جمع کردن آنها در قتل و حمله گاز اینها را با شکر و شکر عمل می نمودند  
 نظریه درستی که مورد و پس ششمنی که از تسلیت آنها بدست آورده بوده است نقد و تحقیق  
 جرات میدهند که از قبل در پایگاه رفقای بدست می آید تا نظریه تحقیق است از رفقای اسامی و شکر است ②

← برده سرخ خرد را است پس داده در حدیثی در وقت با رفیق در حدیثی  
 سوره را در نظر ابراهیم عمل کرده است و همین داده اند. ضمناً توجه به این نکته که این در وقت  
 با همین سوره آورده اند و طبقاً در نگاه آورده آنها عمل کرده است این در حدیثی نقد در حدیثی  
 در این رفق را به گفته دار است و پس با رفیق در حدیثی و در حدیثی در حدیثی در حدیثی  
 قرار داده است

① - پس در حدیثی تحقیق است که از رفقای هسته سخن میگوید در سوره از تحقیق  
 افراد تا قبل از این در حدیثی عمل کند در حدیثی مختلفه عمل می نماید و در حدیثی  
 سوره از رفقای خارج است و عمل می نماید که در حدیثی مختلفه از سوره از حدیثی از حدیثی  
 بیان از حدیثی غیر که رفقای هسته از حدیثی در حدیثی آورده بود از حدیثی تحقیق رفق  
 اکثر آنها را از حدیثی در حدیثی تحقیق سوره است بر حدیثی از حدیثی از حدیثی از حدیثی  
 حدیثی مختلفه عمل می نماید از حدیثی این در حدیثی در حدیثی تحقیق تمام رفق است

در ادامه ضربات وارد بر رفقای هسته از آنجایی می که رفیق آلا در پیش رابط سینه‌بانی بیابا  
 رفقای هسته لویه، با حمل زهر حکت - تعقیب قرار میگیرد و در همین رابط با نگاه  
 رفیق آلا در پیش شناخته می شود. (شماره ۱) رفیق که در واقع قربان می شود تعقیبها و ضربات  
 وارد بر هسته است؛ حمل به زوری در همین رابط (آلا در گمری) هسته ۱  
 قاهر توهیب است. ۱۰. در لیل ارتباطی که میان نگاه رفیق آلا در پیش با نگاه  
 قصار است ۱ با نگاه بوستان سعید بوده است پس امکان می آید که هر دو  
 نگاه را مورد شناسایی قرار دهد. در واقع حینی طبیعی می نماید که معقوب نفوذ میسیر  
 در درون گروه را انجام بدهد و در لیل ارتباطی نسبتاً نزدیک و فغانی که میان  
 رفقای ما در این دو با نگاه با افراد این دو گروه بود تا که، با نگاههاست زمانی مانده  
 نظر میسیر قرار گرفته باشد. ملاحظه نما سیم ارتباطی را آن موقع مراد این نظرها  
 می باشد. \* در واقع نباید یک بررسی احتمالی و متنی بر دوره شده نمونه آبی از

---

توسط ما میسیر شناخته شده اند و احتمالاً در حین تعقیبها کرده و هم راست از  
 آنها عکس ... برداشته باشند تا یک فنجان رعایت اینجاست که بریزه بر رفقای  
 حاضر اهمیت جرات است که از لحاظ بیاف، تیره طرز راه رفتن و ... تمام آنرا عنایه ضعف  
 نشان داده شناخته شده اند  
 - احسنر اولین در ارتباط با نگاهها و رفقای فغانی قصد استغاره از همین تا کتیب را  
 داشته میباشند. نخستین در با نگاه رفقای یکب زنده و متنگر نماید که موقوف میسیر  
 شده به با نگاه که در رفیق میسیر و رفیق در در آن بوده است. توجه ما به شکل  
 زنده که در پیش میسیر با در صورت هوشتار و ... رفقار در رابط با نگاه  
 رعایت ضوابط آن تا کتیب می باشد. \* - به صفحه ۲۱ از این بررسی مراجعه شود

تعیب ۳۱۱ ی با بگاہ س زبان : ۱- قعر الیست ۲- برستان سوی ۳- طرس  
 ۴- کور نهم آبان (انفرد النبه با درجه ضعیف تر از تویب و قطیبت) که در است  
 مستقیم بود و با درجه تعیب و انحراف طریقت بوده است که بر معانی است و دارد

مشیه و مستیان اظهار نظر کرد که تعیب با بگاہها ما عمدتاً در ارام تعیب لای بوده است  
 که سرخ اصیل آن رفتار است و اینها هم تقوی ۱۵۰ نیز بعد از تحبیه دو با بگاہ لولند که  
 و قعر الیست در شایسته است تا در نهم سرخ تا بجا که از آن زمان است آورده  
 لولند است به حد (البته شایسته میان با و تبه رفتار و نهم و سیر که تعیب  
 کرده بود و آگاهی بر سیر تقوی رفتار ... چون سرخ ۶ یا تقوی که در نهم و لولند  
 با طریقت تعیب از حقیقت میداند که (نهم در مورد با بگاہها بر بستان) بعد از قعر الیست  
 طرس و علاوه کور نهم آبان سوچه از حقیقت دارد - با این حال در دراز است و در  
 ارام بیاید که وسیع تا کثیر استیار حیا با ن و کنترل شلکه از سمت تورا از احمق  
 مجرب سوچه در درش میفرد که (نیم خورد) عناصر نهم از نهم حقیقت بود و نگاه طرس  
 می که از آن (از این با بگاہ در این اواخر نقصان در است) استفاده می کند (و حتی اگر مورد  
 رفیق N از با بگاہ طرس تعیب می کند ① که رفیق سوچه مستقیم  
 مدار که احمق از رفیق N سوچه تعیب کرده با ن چرا که در صورت قبول چنین  
 فرض ضعیف طبیعی است که از طریق رفیق N با بگاہ کور نهم آبان هم رسیده باشد!  
 این نیز ثابت که از حذل که تعیب بر حوصله استبداد (تا نهمی رفیق رسیده

① - در احمق سوچه نوشت "چون نهمی تعیب از با بگاہ طرس"

باشند و پس از آن قیاسی به پایگاه - البته این یک احتمال است - (بعد از آنکه پس  
 می بیند رفقا در زمان پایگاه طوس را کشید و اندوه آخرین روز و اثر موجود در این پایگاه که همان اقامت  
 در تخمه آن توسط رفیق محققان بود است - همین است.

در مورد تحقیق و ضرب کور **نهم آبان** ① تنها در احتمال موجود است: الف - در اقامت  
 تحقیق از طریق رفیق N به پایگاه نهم آبان رسیده باشند (احتمال همین که محققان  
 ب - بعد از تخمه پایگاه در لیل ~~آنجا~~ رفقا پایگاه را کاملاً لزدند تا وقت ختم نمونه  
 و ضمناً در ارجاع با صاحب خانه محض زوی هم زنده نبوده بود و رفیق از طریق صاحب خانه  
 و کنگاوی میگوید که در غیاب رفقا تعجب آورده است پایگاه نمونه پس گفت زنده باشد  
 آنچه که در عهد قبل از این اقامت را نقل می کرد هر جا خسته نمونه تحقیق است که توسط  
 رفقا در کوی نهم آبان کشیده گردیده است. بهر حال ضرب کوی نهم آبان در تحقیق  
 سهادت رفیق همین تاج جوری از نگاه تاسی بی با تو می بینی که در احوال فوق حدوداً  
 روشن خواهد بود. ⑤

- ① - در احب سعید نوشته "جریان نمونه تحقیق از پایگاه کور نهم آبان"
- ② - در این باب یک تجربه مفید ما می خواهد بود که هم در مورد پایگاه طوس و هم پایگاه
- نهم آبان و چه پایگاه واقع در باطرم هر قطره از بر ذراتهاست محو می شود در زمانه  
 گذاریم - تقسیم اقامت تحقیق پایگاه از بر ذراتهاست - اما حاتی که در لیل با همت کشید -
- این مورد را در داره و جایی پیش در این باب - مانع از بر ذراتهاست -
- صرفاً تاسی و نظایر در اقامت تحقیق پایگاه آواجیم که اتفاقاً در کور هم چنین است



در این یک نقطه را هم باید در نظر داشت با هم که رفیق AG که بکارگزی صرفه در جهان کوران  
تعیین ها در حلقه از بیانی و در من با رفقا عضدانند M بود است و چند نیمی نیمی از طریق

← در این مورد هم کار کرده است - نقطه که در آنجا تا کشید و فنون مبارزه و بلیس  
سینه را در صدر و طائف خنجر میدان ( ) در این مورد اجازه بفرمایید و در بطور  
اختصار به بیان این تجربه بپردازیم .

در تاریخ ... رفقا با نگاه کور تمام آبان را با طوری که نمونه مشترک و تعقیب تحلیلی  
منتهی است از این عملی کار در تحلیله مقدار کاغذ نوشته رفت تمام باقی میماند \* صفت آنرا تعقیب  
نخستین و باقی شده در میان بگذارید (اینکه رفقا بر این تجربه کار کنند و صحنه خنجرها فقط هم گفته است)  
قریب ده روز بعد از تحلیله اولیه با نگاه در میان کم به در این به نمونه تعقیب در هر سه قسم  
استباه گرفته مسعود و رفیق سیمین تاج و رفیق ... در این تحلیله کامل با نگاه هم گفته است. استباه  
در مجموع تقسیم کرده عبارت بود از اینگونه نمونه تجربه با نگاه طوس را که باعث از کف رفتن  
و جنگ (تاریخ) رفیق عضدانند است و میماند بقیه در تجربه جدید بکارگزی کرده (رفقا در  
لازم با تحلیله با نگاه طوس معاقد است این در این راه رسیدند که بعضی تحلیله با نگاه غیر از  
که عمل نظری است و نظامی توجه و فواید و با توجه با این در مورد تحلیله با نگاه طوس هم در اول  
ببدان طریقه این کار رفیق ... بوده است - مدیلت در تحلیله جدید با بررسی صغوف و موصوف  
طرح تحلیله قبلی در مورد صغوف رفیق M در این راه حسی با طرفت کور این صغوف  
- شد تفاوت فواید طوح - رفقا تا کار در مدیلت تحلیله با نگاه مضمونه

\* همین طور در نگاه در رفیق ... در این ... در حلقه ...

رفیق عقده المومنه در گذشتت توارنه؛ شدم محل دکان سلامت دهی ۸۸ سیر ۵۰  
حنی هلیسی ۵۰ مایه که بعد از هلیسی ۸۸ در رابط منقش ادراج تو را نه انچه باشد (که احتمال)

که انگار رارقا که در

لذا ای رقا ۸۸ در هلیسی سیدک تخمیه با گیاه کور سیم آبان شانه و در سیرتیت نصیب هلیسی سیرت  
که ابتدا رفیق سیمیا برار گرفتن سلامت خانه و مده هلیسی از (وضع خانه به محیط  
کار صحنه نه - حیطه واقع در ش حوض - مراجه غایر و نیز از غیر تیری حیطه  
از بر خدر هلیسی صحنه نه تخمیه دارم وضع خانه هلیسی است ، اتفاق بطرف با گیاه قده  
ابتدا رفیق سیمین در حالیکه منطقه را در حال حرکت در نظر دارد واحد با گیاه شده ، پس  
از آن گاهی از سلسله با گیاه رفیق ۸۸ را که طی این مدت تدریجاً نسبت با گیاه در حرکت  
شده است در فاصله ۵۰ متری آن قرار دارد در جریان کار رعد و مجدداً جهت تخمیه هلیسی  
با گیاه مشهور (ملاحظه کنید که نقش رفیق ۸۸ تغییران نسبت به آن نقش رفیق سیمین  
تغییران نموده که ۸۸ در تخمیه از وضع مشهور منطقه ... انجام وظیفه غایر تا  
همه اندازه بطین حالت فرسایشی دارد تا اینکه تدریجاً از یک طرح نظمی و عاریت  
مانند سیر آن باشد

مطابق نقش فوق عمل می کنند صاحب خانه با در خوش بهرور سیمیا! ...  
رفیق ۸۸ با نظار رفیق سیمین در فاصله ۵۰ متری با گیاه با موقور می آید ، در همین  
نقطه رفیق ۸۸ در حول خوش با گیاه مشوقم نموده کار مستعد از وضع مشهور  
مشهور و هلیسی روآید سینه پرود؛ سیرتیت و از یک هلیسی پرودیک مسس می

احتمال دیگر در شیر ۸۸ در ابط با هم در انستیم بالار و بیسی در وقت شهره با...

بیرون می آید که یک مودر سوار و یک با صطیح عام در دره از دره سوره  
..... اینگونه ها مشکوک است که از فاصله ۵۰ متر یا یک یا دو موع دره  
دره سوره در یک چشم بهنوع و هم زمان با درود وین سین تاج یا یکاه منطقه  
شروع نشود و هیچ مفاصده که خرابکارا که بنامه ..... زفته میخوانند بکنند  
رضی در انظار بازگشت رضی سین با نظری نشیند و اگر فایده ان نکات  
هیچ نوع همار شکل در منطقه بکوشید  
اشک حدقل استبها ت بازر را که از نظر گاه تا کشی و فضا نظری کمر بر طرح اجازت  
حالت رفا در است بر می آید

۱- عدم جمع بند بر تجربی عمل تجلیه خانه یا گواهی طوری و تا عدم بکار رفتن تجاری تا کشی -  
ناش از آن در عمل

۳۲- انتاب راه حل سه دره در غیر گریه از سوره (یک گاه) عدم بکار رفتن تا کشی  
غافلگیری حین عن روی سوره و فضا نظری آنکه در هر وقت صاحب خانه در سوره از صاحب  
سینی از حیاط خانه پسرا خبر کرده باشد (اقترا که حینان حم لعبد فیت کفیر  
با توجه به نمونه آن شکل و بازر که از نظر یک یا یکاه در خانه است و کلمات دره سوره  
که حین یک احتمال بر آن که عن در وقت حین موقع هر سوره (۱۵) این مطلب  
بسیار است که از نظر گاه تا کشی سوره کب خبر از صاحب خانه در دست نبوده است  
چون که از چه استفاده از آن کشی خبر بر این ایام عمل در سوره (در این جا  
یک گاه) درت و ضرورت وین این بدال معنی نیست که از راه حل در





بعد از آنکه هدهد بخواند تعقیب آن و فریاد است در سوره رفوف سازمان سبغت در  
بناک سازی دو سوره جدا از هم در ایام قدیم می خوانند با این حال حواش لغوی

در خط قند باز گوییم که ما در این باب به شرح می آوریم که یک در طرح و  
عمدیت نظای همواره بر سه اتمیت که چگونه تا کنون خبر گیری را با آن کتاب خلاصگی  
در هم بیامیزیم؟ تجارب نشان می دهند که در طرح از نظای باید عمل خبر گیری از سوره  
و عاقل سوره را با این هم می خوانند و این عمل را در سوره بظهور تو امان  
بکار بست. در صورتیکه وقتی ما خبر گیری از سوره را فاصله نمی آید سبغت عبت قبل از  
عمل روی سوره انجام داده اند، حال آنکه گفته بودیم اینکار فاصله میان خبر گیری از  
سوره با عمل روی آن را کاهش داده اند و این کار را از طریق تکرار می کنند که بعد از  
سبغت در باره سوره خبر گیری می شود که هم حرف می گوید در بر داشت و هم فاصله  
نزدیکتری به پایگاه قرار داشت. --- به حال اگر فاصله میان خبر گیری از سوره -  
در عمل اعلام انقباضی آن می آید - تا زمانیکه بظهور عاقل گفته می آید سوره عمل  
تقریباً 15 ثانیه بوده است بنظر می رسد تا درم بدو یکی از سوره تخمینه با پایگاه  
این فاصله را از طریق مطمئن تر کاهش داد.

۴ - بررسی تکرار نقطه آنکه بظهور سوره در وسط رفوف و رفوف از نور در رفوف همین  
به پایگاه. توضیح آنکه لازم بود تا رفوف که با هم می خوانند که بعد از آنکه سبغت  
آنها رفوف همین راسته است لا اقل یکبار و بصورت سوره و باران لغوی  
در قیاض و تیسر حرف با هم خوانند تا در سبغت را چک می کرد که آنرا!

باز هم تقدیر در این از رفقای کرب و زخمی را در حال نوحه آخر در امام حسین ۱۸ هجرت

۵- بلاغی قدرت آتش رفیق حسین در سینه در سینه در لایحه و با رفیق اعلی  
گردد مطمن تر راه شو چنانکه بنامیک اقبال بعد از استیلا رفیق  
- ۷، ۶۵ بر او نیت - عن کرمه باب ۳۰ همین طوری است بلاغی قدرت  
آتش رفیق با است فدا می نماید و یک جنود را کشیده با آنگاه کامل وارد پایگاه  
مشیتا در صورت غافلگیر برفت و با هر کس از ضامن رستی از آن استاده  
کنند که نکند!

۶- رفیق با علم غم آنکه می بیند رفیق حسین زینت است با نگاه دیگر از رفیق  
سین نه شدت تخمیه که!

۷- رفیق نه بعنوان سیمان آتش رفیق حسین بدون که خبر از حوصله  
و آنگاه نه (تعب) از سرفست سوره و بدون که بر روی در شل منطقه ای  
سوره و بلاخره بدون تلفیق همدق در کتابت خبر کمر و غافلگیر از سوره  
و تخمیه و نگاه فاصله بسیار نزدیکی در پایگاه بطلو سوره سوره بود در رستی  
این اقلام رفیق با یاد در مرد است که بر سر شام بن می برد! بدین ترتیب  
حق در در خاک کسب از با بار در تجربه تلف است در آمدن رفیق  
مرد ط هر همی را در اینی برادر مسکرم

که در صورتی از قول تقییب و رسیدن به پایگاه - پس یعنی که مُدَّ از کمال رفقای هند  
 با گروه انسانی که در توران بطور واسطه ای از طریق سرخ گری جا سپرده باشند -  
 نبردند که بعضی ها جدا میا و عهد تا در جدول حرکت در شهر در توران شده بلیس و جو  
 بالای از مروتت بلیس شهری افتادند و این درگ درگت ضعیف تا غزبت اجنرا -  
 بعد از غزبت رفیق سیمین - گردا به واسطه تقییب و دیگر ای غنا هر بلیس که در  
 یک مرحله موفق به دستن از توران است آه آه شده بودیم با نسیم از رحیم  
 در راه از سوار - نه کم در زمان - غزبت تحمل شده بعدی سیزده بطور غیر مستقیم در  
 ارتقاء با موج تقییب از سرخ گری به دست آمده مرحله قبل به به بیان دیگر  
 در دستن تر موج غزبت بعدی با با در راه و حیرت جدیدی از کتیل شرایط بلیس و  
 تا کتیب ای که دشمن برای متورانه احتیاج از تقییب بود بکار میبردست و سلیقه کتیل نام <sup>۱</sup>

① - البته هم نظر که مکرراً در مقدمه همین نوشته آورده بودیم این نیز دیگر توضیح افندی است که بر روی متولای نظیر استیف علی و کتیبی غزبت اخیر آمده در راه و حیرت جدیدی از کتیل شرایط بلیس - نظیر ایران بدین معنی است که متوجه بر روی رسیدن ای و اسی که ماهیت سوسی استراتژیک ~~هنگام~~ این غزبت را به نام <sup>۱</sup> گفته ارد  
 از نظر بیان از نسیم .

در جبهه جنوب حیض کندی که فرات رانده از نظر گاه تا کندی مورد بررسی قرار گیرد  
 از لحاظ با شوره و تا کندی ای شناخته شده و در سه و شش مایل پس سوی ارباب  
 مواجه خواهد بود و از طرف دیگر باب سه و عقب مانده بود تا کندی ای  
 هشت نقدی که بران اطلاق باشد این همه را در حد ضرورت باید تکمیل کرد  
 تا مانی که الزاماً چه جنوب کندی فوق را شسته بدو اعتبار از گردنه ای بار کندی  
 خط ناک مبارزه این بود که مبارزه با اغراض در نظر گاه های سیاسی  
 مبارزه با ۹۰ اجتهاد انگیزه ای غیر از استیلا بود که جنبه نقدی را  
 احق با نام بر خواهد داشت.

گوشه عمل می کردیم تا با بررسی دقیق تر جزئی تر - یک یک - فریاد که در مرجع  
 در آن بر زمان ما وارد آمد ، برای کندی هم جنبه تر شرایط سیاسی را در نظر  
 هشت نقدی این ، شرایط سیاسی جدید در کندی عمیق تر تا کندی ای  
 تمیز از جانب پلیس سیاسی راه بردن به هزاره ای مرحله ای آن حالت  
 بیشتر در اختیار قرار دهم .

تاریخ - - وقتی تمیز بهرام اکرام پس از اجرای قرار که بانی از رفقا داشت ،  
 از رفیق جدا شد ، تا پس از تصنیف به پایگاه جدیدی گرفته بود - بطور  
 قطع این پایگاه به نام سبزه - برود اما رفیق در خاصه بعد از اجرای قرار  
 بعد از نظر رسیدن به پایگاه در منزل تصنیف روز دیکه در خانه به تدریج افتد

در کتب این دگرگی به احتمال منوال دارد

الف: رضیقا توسط کوی از عنابر صفت ت در ده خاش نشان دارد سه به با هم (مغفر  
صفت ت در ده در داخل ماشین و گشت ت در ده آ افراد سه که فرار از آن به هم)  
ب: توسط گشتیار خیا با بنی و از طریق عکس --- رضیقا را شناخته باشند  
ج: به دلیل بالابو (بالبو) دانسته و جو بیسی شهر، احتمال دارد در ده نقدی در داخل توکند  
هر سه زود در این بین سه به صورت داده باشد

ت: بنا به دلیل (معه) ایند با یکاه و همید اتفاق در میر و نزدی آن با یکاه تکیه  
سه به تکیه اش بجه و دانسته حدود ۲ کوجه بالاتر از با یکاه همید رضیقا بی روز قبل  
از در تیر یک اتاق متعلق به رفقا که صاحب خانه اش ساکن بوده را می گویند و در  
همین ارتباط --- در اینده سال قبل رضیقا در جهان هوای در گشت به جو - در گری  
شیدا -) سرخی از رضیقا در ارتباط با میر تقی و رفت و آمد به با یکاه) است

آورده بود که در همین گره که تو او را شناخته باشند آنچه که مسلم است در روز گری  
- وقتی از کوی در روز قبل - مناطق شیدا، بر و جو --- گشت نظر و پوشش بیسی  
بورد است و این منبع جزیره توسط رفقای که در جهان هوای در دست اندامه گره است

در تاریخ --- رضیقا داود اسم مستعار و عنبر صفت ت در ده در  
خوب فرخته فریزر باقی زوار در اصولان و دستگیر همانند عیبت و سرخ تیر  
بطور قطع به شناخته شدن و بودارک میر ای تقو و رفت و آمد رضیقا

داود بازگشت نه غایب بلیس که قیافه رقیب رفیق را مستقیمه با گاهی کامل از  
 مستقیمه که از طریق بسج غدا بلیس در منطقه و در میر حرکت ادب بلیس نشسته تا  
 اینکه رفیق را به تور می اندازد و از طریق تعقیب ادب سرخ در آن که چون فریاد  
 بعضی فرار کرده است می بیند. پس رفیق را در این ساعت ۷-۶ بعد از ظهر  
 دستگیر می نماید و روز بعد فریب را حوالی ساعت ۱۲ یا ۱۳ دستگیر می کنند.  
 فریب ز قرار ساعت ۳ را اجلا نمی کنند. هفتاد فریب از صبح روز دستگیر می گردانند و با یکدیگر از  
 وقت طرح می کنند که امروز بظهور مشرف ۳ نمونه مشکوک و تعقیب موقت در سوار در وقت  
 سرخند در ساعت ۱۴ موقت سوار در خردل حیات عبور از جبهه فریب ز اورا  
 در راه از سبزه است. جانب است که فریب ز در وقت و الطیش بعد از برسی این نمونه  
 در جمیع رأی می دهند که چیزی نیست! ملاحظه از اینکه پس با در وقت داشتن  
 سرخ نامی از فریب ز (نظر اینها) - (آقای...) - ادوار در تور داشته است. (۱۳)

- 
- ① - مقدار اصفهان بعد از شخصی از طریق رادیو شنیده بودند که در خلال منطقه -
  - منطقه ۱) مستقیمه رفیق را در جبهه - پس نیز هائس را بسج کرده با اینحال  
 رفیق خوشنمیدال ما بدون هیچ تغییر قیافه - افضاف با در اول کله مور به دست گرفته  
 بعد از قیافه اس را تغییر دهد - در سر هار همی گسی در سر حرکت مکرر است
  - ② - همه ماهه پس رفتار اصفهان خبری داشته مبنی بر اینکه رفیق بر راه سرخ نه ای  
 داشته منطقه ۱) و تعقیب ۲) در ... از طریق موقو و در کله مور کله گشت مکرر و ...
  - ③ - هفتاد فریب نامی از فریب ز (نظر اینها) - (آقای...) - ادوار در تور داشته است رفیق مسؤل



در واقع بطور شایع وضع رفتاری را که بطور شفیه - حینه باره - نمونه از تعقیب مظهر است  
 بهینه و باز شیخ تعقیب نامیده می شود می توان در کار و عمل بنده از تجسم نمود:  
 گاهی در تور، گاهی بیرون تور، و نهایتاً در تور!



رفیق حاج شفیعیها: این رفیق در دوران تعقیب در رابطه سفیدی از سارنگ

← نسخه اصفهان را که در رابطه با هنر اصفهان نوشته بود در جدول آن  
 جامع است که در آن اصفهان اظهار نظر می نموده بود - بعد در باره فریز  
 با اسم سینه رحمت - در این باره در م (این نوشته داخل نظر در باره M در هر دو نسخه  
 حدود یک ماه قبل از مصاحبه فریز) رفیق سولت خا اصفهان می نویسد:  
 "M عنوانی که منو با آنکه منو در م است، که با کتبیته و غیره در جدولی و  
 منو پسند می خواهم و همچنین این اندیشه و الیم است که در اصفاف  
 بطوریکه در مانور بر خوردن فر صعبی و ماضع منو است. در جهت آنگیز ترش چهره  
 را در شکل رایست - طبعی ... از خنوتان میولد جانب تو است که در  
 جمع انفر M و N در آن مکان کتبی که جمع است که واسطه او میجو دره  
 بعد که در واقع ماس با بعضی آنگیز است ز منبه معن بر ای است نقاطا منو  
 این دو بعد بطوریکه M برافه حق خنوت می است که رفتن به خنوت فر و راه  
 ترین است در ۱۶: نام شکل منو تعقیب از آنجا در خورد که اعمال منو و او هم

قرائت کتب در تاریخ ... در حواله خیابان حسام السلطنه سید ... حضور رادی

کتابت اعلام مسکن در روز بعد قرار بود و علامت شد شش رایت کند که در یک بار  
نمونه کند . احوالات قاهره در روز چهارم در حواله خیابان حسام السلطنه سید ... حضور رادی  
چون بلیسی شهر و بطور اتمام در قورقندون می باشد که احتمال دیگر اینست که در ارتباط  
با یک کس که علامت شد شش رایت او را بتواضعه باشند .

رفیق مردم (اسم مستعار) : این رفیق که بطور قطع کتب کتب ... (نمونه کند)  
از یاد داشت در رفیق تبرام یعنی این رفیق تعوی که قرار بود به جهت تشریح آثار افق  
کتابت و اخیراً در هر باره در تحریف در یاد داشت در آنجا انتشار کرده است  
شش خطه در تشریح یاد داشت ۶ ی رفیق تبرام و در این عدت عدت خارج کرده  
(عصر است ۳) اگر به یک نگاه برگشته است با تو به مانند گاهی که این آیه ناس

---

بدر این کتب حضور (رحم) کمال در (رحم) چه چه بگو یا قبول کنه بگو  
که چنین بر خورده و چنین رفتن و شمع و زنده در حمزه و حمزه دانسته باشد  
تا این سخن قول : مسؤل شخه اصفهان در ارتباط با کتب رفیق داد و ...  
- قبل از خصم M - و ... حضور M با تفصیل و تحقیق ... تحصیل ...  
... هفتاد ... بدینکه رفیق M در چنین شرایط و اوضاع ... پس این ...  
و در کتب اینار بسته بند کرده بود و با حالت نگرانی و اضطراب به  
در حضور و شمع بزرگ ... نگاه کرده ... عیناً نقل قول .



این رفیق با سه زمان در آن سه طایفه سکنه اتمالات دستگیری رفیق منفر خواهد شد  
 با لایون جو پیش شهر و امتداد از قورای پنا سه پیش بجزیره از سر کار عملی و قضا  
 بسیار مشورت و قلم برانگیز و زهنتی در در مورد ساد تصنیف بتواند عواطف با سه  
 که در دستگیری از قورای (ماترمان) هفت اتمال در آن است که در این با بقیه عداوت ای  
 رفیق به اتمالات در آن سه

رفیق به سه روز : این رفیق در بعد از اجرای سلم یک قرار در روز عاشورا  
 قرار داده به پایگاه برگشته آن در یک پایگاه برنمیگردد اتمالات دستگیر این معمول  
 جو پیشی با لایون شهر بجزیره در روز عاشورا - در پیش غیر مناسی رفیق در آن  
 در شهر بوزیر حرکت با تو در روز عاشورا \* (روز تقصیری است و لذا گفته شود  
 سوار بر سه سوار و در قورای قوی چشم منزند ... ) هفت تیب و تصنیف رفیق برای  
 پس ز با شاخته سه نبوه است که در وقت هم پایگاه اول سلم و خانه از

رفیق صد تیب : رفیق از پایگاهی که بطور قطع سلم نبوه (تازه یک روز نبوه که  
 پایگاه را گرفته نبونه) است اجرای قرار بطور مودت بریزه تصنیف سقو آقا علی از اجرای  
 از رفیق به پایگاه برنمیگردد! اتمالات قوی برسی:

الف - رفیق صد تیب پس از تصنیف هفت تیب ... به با لایون سخته  
 \* - هفت رفیق بطور یکباره از مودت سواران نمائند و در آن در در منجم و قلم

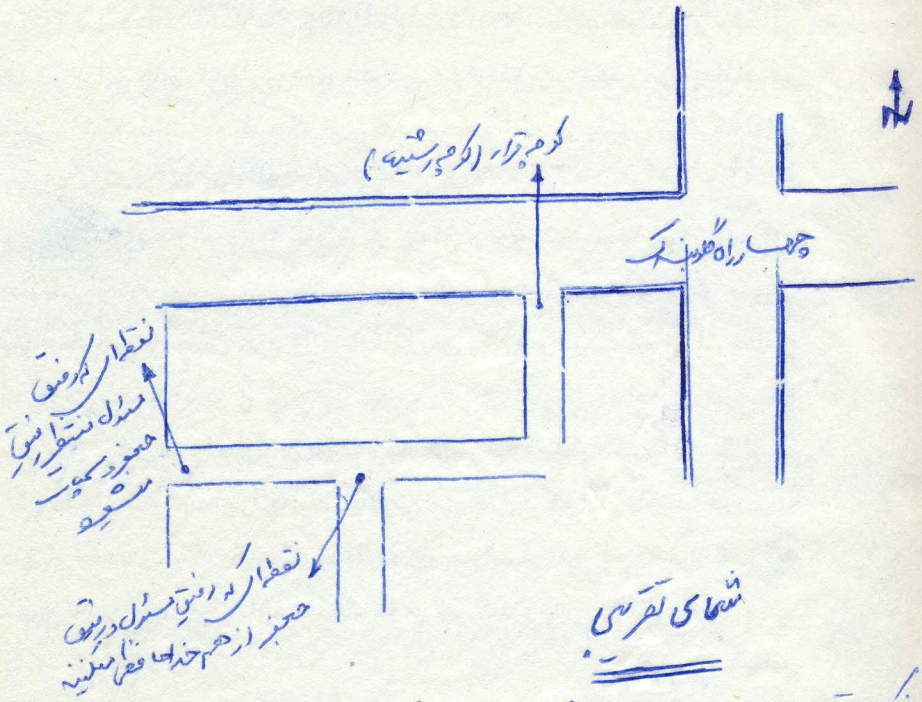


و تعقیبی که این رفقا، بقا و همی در حوالی حیات از آنهاست - اقبال خورده نبود، امری که  
 به اب رت یکه از رفتن ای انجام انجامی (مردار است) در حین قانس گریه ای رفیق و حمید  
 تا ابری آهنگ است که از راه برده در حالات مختلف بمن تعقیب عین رفتن نبود.  
 - غیر صاحب نبود پیرش (درست) رفیق از جهت حرکت در راه همی نظر  
 "ساک"ی رفیق در دست داشت - حب تو هم نموده است  
 - حرکت در شاقه که از ی ظهور عینی از رانسته به لای بر فرود آورده است  
 حرکت از راه ای که بطور همی از آن جهت اجرای قرار گرفته مکرر ... رفیق را در  
 تو از اقامت به شد

رفیق A8 : این رفیق که در ارتباط غیر فضاهاست از یکبار گریه میفرستد، در کورن  
 موج اولی تعقیب از ی که تا گریه ای با زمان در حله از بیجا، رفتن عضدانند (که بهایگاه  
 تعقیب خورده طوس رفت و آمد است) و رفیق N - که از راه نگاه طوس بطور همی تعقیب  
 خورده نبود - قرار داشته بعد از این ارتباط غیر فعل و عمل غم دستگیری با شهد است  
 رفیق عضدانند و تعقیب که رفیق که خورده نبود، عمل کارش را عوض نمائند. رفیق  
 A8 در این - جهت کار، بخارخانه می رود و کلبه بعد از پیاده شدن از راه و پس  
 دیگر به پایگاه برگشت نمائند. اما حالت قاصر بر می میفرستد از نور عمومی خود در آنست  
 عینی با لای شمر عبارت خواهد بود از آنکه با در دام سرخ گریه ای رفیق اولی تعقیب رفیق  
 A8 راه در راه از اقامت نبود و با اشاره از طریق کارخانه به نظرش به باشد ...

رفیق جعفر : این رفیق که یکبار کار گریه میفرستد جهت تا گریه ای به پایگاه  
 قصد عضدانند است داشته از راه نگاه خارج می شود. (منو می شود)

تاسیگرهای اولیه مطرح می کنند که از لحاظ موقعیت استی و وضع خوبی ندارد چرا که  
 دو نفر از همه و در هر های ادرال از طریق بنسین سبسی گرفته اند و غیر میدهند که ضمت ۱۷۰  
 نفر را هم در تبریز در ارتباط با سر دین و در کمال اعتصابات گرفته اند لذا استی  
 می کنند که احتمال دستگیری کارار همین رابط بعید نیست ، در کس و قوس همین تاسیگرها -  
 که در سیرفته با بار بوه - و در شرایط نه سمیات دختر انهار تمام می کنند برای  
 عملی مخفی شوق تا مده ای بهم پول جور کنند ، رفیق جعفر است هیزب رفیق  
 این سمیات قرار بداتی بین سمیات دیگر اگر از رفقا میانه ارد - بر است سمیات  
 نظر - تا این رفیق در غور با سمیات دختر درک بهار برای او بزاد - ضمناً رفیق  
 دختر میانه گفته که فرزندش قرار خواهد که ، روز ملاقات (تا مده صبح)  
 قرار قبلی و قرار درک اجا ۱۹ ساعت بوه و رفیق جعفر در کس سرتی سرتی غیر  
 و ... (نماینده) رفیق جعفر با رفیق مسدول تا مده ۵ دقیقه این قرار سمیات  
 میروند و در آنجا رفیق مسدول بر رفیق جعفر میگوید که در همین جا وقت گذرانم  
 سرتی (جعفر) برود و رفیق را سرتی قرار بیاورد آرا بر رفیق تا مده ۱۵ دقیقه  
 قرار است ۱۵ بوه (یعنی برای است ۱۵ رده دقیقه میانه است رفیق جعفر و  
 سمیات دختر سرتی قرار رفیق مسدول حاضر شوند رفیق جعفر تا مده ۵ دقیقه  
 قرار از رفیق مسدول جداست ۵ سرتی قرار میروند که این از او خبر کنند  
 (رفیق مسدول) است ۵ سرتی قرار میروند و سرتی غیر سمیات وقت رها بیاید  
 رفیق جعفر با سرتی است ۱۵ بوه (تا مده میانه)



این نقشه تقریباً در راه پزار قصه یا این که هیچ نمونه شکلی حتی در جایی در وقت ارسال قرار  
 دهنده نیست و رفیق مسدود حفر حفری با در فاصله ۱۰، ۱۴، ۱۵ تا نزدیک کوه پزار است  
 و سطح هیچ خبر نیست!

هفت روز با ناروشن قلب که حفری است درخت که آلودگی مکرر و خود را میسوزاند  
 نه؟ و سطح به محل در روزهای اخیر طرف محتمل توجه حالت بی جهت از زمین این  
 طرف را در رابطی فعالیت در آن بوده پس میسر و در آن روزی هم حفری آلودگی بی که بعد  
 از آن زمان که در وقت ارسالی در رابطی شده ختم شدن فعالیت و وقت نظر  
 سطح خاک است که در آن محسن نامیسم و آن را در میان \*

\* - شرح مفصل این کار تقریباً در روز هفتم همین روز در راه ام

رفیق اکرم

: چندین ماه پیش می از رفقای خانه پانگیا می ره بطرحیم باطرح

ای سال که شیخ تقییه هم جا به نبال اوست .... بطوریکه خانه ای را بنا

خود را با سازان قطع میباید. در همین رابط رفقای پانگیا به بطور رسمی بندهی - کج دار و مرزب

خانه را تخمین میزنند و با محمل فرستادند؛ پانگیا هم ناروند تا اینکه بعد از چندین ماه سو

که رفیق شیخ در ده بیاید سو و رفقا با اطمینان می اندک این رفیق ساله است در رابط با

اینکه بطور اطمینان از سال کنین خانه ... نسبت به بدست پانگیا و بعد از بعضی وضع

اطمینان می کسب کرده بود. بعد از گذشت چندین ماه - بعضی میگویند پانگیا هزار

دهم و ده همدارک تخمین شده و طبق به نام وزیر این کار قدرت میگیرد و دستا سفارشی

اکرم در همین رابط غمگین شده، فکرش میباید. شرح بعضی و تکمیل این خبر را

۱۱ مطالعه نماید

در نوشتن این کتاب عزیزان



# جمع بندی و نتیجه گیری:

شروع آن بطور قطع مستوان تسمیه گرفت که صفت فریاد است اینصورت نفوذ در کتف است - آنوقت معنی  
 در معجزه ممتد سرخ کتف در طایق نفوذ ① و بعد هم تعقیب زنجیره از نخ می کشند ② شروع  
 اشکال هر چه از بالا آید به این است و در آن فرکان مختلفه ... پروتئین است که در  
 که سرخ کتف در طایق و سایر کتف های دیگری است که در کتف - در کتف ( ... ) از راه ها و طایق  
 مختلف بوجود آید. مثلاً:

الف - سرخ کتف در طایق نفوذ در چند عصب کتف یا دست راست

ب: سرخ کتف در طایق کاهانه (بنا بر فرستاده شده) ضوابط و قیاس است  
 ج - سرخ کتف در طایق کتف با کتف های آلوده و کتف نظر ③ و سایر کتف های آلوده

① - بخصوص در مورد زدن مایه با توپ به اشکال هر چه این بررسی نمی تواند معتبر باشد  
 به حریف کتف فریاد دارد اما وقت می هست که بیست از حرکات با طایق نفوذ خوانی  
 دارد و اتفاقاً تا اثبات بدو از این نفوذ در زبان تبیین کنند و هیچ از این تعقیب  
 است که در ارتباط با یک کتف ... - بطور کلی

⑤ - توپ می دهیم که با فریاد و تعقیب از هم جدا شود زمان فرود توپ و نه از حرکت  
 روش نه بخصوص ضمناً این مسئله که در فریاد و از حرکت تا وقت که از فریاد  
 در هیچ اول تعقیب هم تعقیب است و این مسئله که توپ در نظر کتف ای -

⑥ - عنوان نمونه برادر یکی از رفقا محقق را که است که در کتف کتف  
 تحت نظر تعقیب و مراقبت داشته اند!

و معتقدین به کار آرام سینه و کلاه محافظ در سنگریز آلوده

ت - سرخ گریزی از طریق کف پا که در سنگریزه و از جنف صفت نذاره از  
آن قلم در هم می آید و بطور موقتیت خاص جنف فرخته و نیز زلفانی نژاد را در نظر بگیریم  
که با تقوه و با بعضی هم خاطر برای موجودات زنده از رفتار فراری میباشند

۵ - سرخ گریزی از طریق تیره های منطقه اس و توربین که در ۶ سی آگامانده جنف  
در منطقه که در ضمن امکان تقوه چوبک را در اینجا میباید ۱ و ۲ و ۳ از طریق  
بالایون را نسبت به وجود پلیسی شده

ج - سرخ گریزی از راه با ترقی آ

ح - سرخ گریزی در ضرب زدن از طریق عدم انطباق چوبک با محیط ۱۵ [من به ب

① - دو سه ماه پیش تا درین قسمت با همکاران نیروی انسانی شهر نبرد و طرف سبز  
حیات در چهره است و آمد (صفت) را می بینند و سپس شروع به بازی با کشتن  
همانکه از در طرف وارد حیوانات میمانند میگردند و این در وقت خواب تو میگویند که  
در حیوانات بعد از یکس (به طبعه) حسی در سر هر کوی چنانکه وارد حیوانات  
میکنند و این که در آن وقت که از رفتار با کشتن وارد این حیوانات شده بعد از  
مکانه که سموت حیوانات را دارند می بینند و رفیقان این را از طرف کارگاه بازیگر  
سنگ در روی در. حال نظر که میمانند پس در گذشته است بتوجه انقضای چوبک از این روش

استفاده میگویند ۱۵ - نمونه: رفیقان جنف میباشند در خردل بازیگر حیوانات و کنترل  
سنگ در ۱۵ که در آن با جنف هم میگویند در الم صافه - بعد از آن است از روز ۱۵ به بعد  
زادری این شیوه و رنگ کرد

۲ - نمونه رفتار حیوانات که از روی بازیگرها حجب دو صورت است که در این روش  
انقباض را میگویند ( و گویا دیگر رفتار - و کله غافلگی - بر این بازیگر با این شیوه رفتار است)



سؤال از طریق عناصر می باشد. .... - رفتار شک بر انگیز افراد را بجا  
به من گرایش دارد. .... در بررسی ضرب کوی نام آید که گفته شد که اول

نقطه همین باشد [

اشتباه با پرسید آنها تر زیاد در همان کمال متوجه تانگیک های نفوذی و غیره پس  
سایه در شرایطی که هنوز سوره ای تعقیب زمین برای رسیدن از کوه سرخ  
به سرخ و سرخ نفوذی لغوی برای ما در پیوه ایام به ترتیب از است ① چه سوره؟

بنظر ما و بنا بر بررسی و شرح نیمه کلمه - تانگیک که از عمل ضرب است اخذ کرده (اریم  
چون تو چه باینده بخش عمده ای از ضربات وارد بر پیشانی از آن در او دم بدو در سطح  
سرخ اول تعقیب ها ② و ضربات نفوذی ③ متوالی است این را تانگیک

① - البته تصور داریم که در رابطه با خروج تعقیب های اولیه هم رفته رفته جهت هم رفتاری سوره  
خود و رفتاری انجام سه العنصری به نمونه های تعقیب بر طبقه بندی و بنا بر همین دلیل  
بجز رفته رفتاری سازمان ما در یک مرحله متوقف به تخمیه یا نگاهها قبل از می فرود آید  
آنها توسط مزدوران رژیم مسکونند. با این حال دانسته و توسعه ضربات نشان  
می دهد که ما نسبت با جزئیاتی این مسائل برخورد کنیم و امکان استفاده از  
تانگیک های اکثر و نیزه ... را از جانب دشمن از قلم بیازاییم.  
بدلیل نا مشخص بودن تعقیب ها ما مجبوریم برای خاست و استفاده از ابزار اکثر و نیزه  
جهت تعقیب و سرخ که تانگیک جدیدی بازنگینیم در همین رابطه به هوشیاری و  
حداقل نسبت تمام عمل کنیم

② - سازمان ما در مرحله اول تعقیب با تعداد نفرات رفعت زنی را از دست می دهیم  
چون آنها در صورتی که ضربات - در شرایطی که بطور جمعی واری است به پای می



یاد شده در ذیل این کتاب بخشی از ماوراء و آنی تر از حیای شیوه های که از  
صفت بلین بکار گرفته شده است. - آدریم :

۱- ارتقا و تکامل بعضی از نظر گاههای عضلات و آنزیمی. بجزیره توجه  
بموقعیت امنیتی من. هم چنین باید بدید بیشتر زغال را بر وجهه تفریح  
بروتری و سالم بودن و بیهای اجتماعی و آشنایه های بسیار ایضا روی که  
کند یا از عضله گیری هستند که در هم. در این رابطه تکدی بر کیفیت و نه  
کمیت در امر کوشش ضروری می باشد.

رژیم زنده بوم - بیشتر از زنده بوم در وقت روزه افکاره ان

۳- نکته دیگر توجهی که در زمینه شیوه کار به بلین میسوس گفته که ایران در این جهت  
بی خود از آنکس داریم بر گفته که از این (شما) قسم خود را خلق هر چند وقت  
باید و نباید باشد. بویترین صفتی که دارند، و نباید در هر گاه شرایط و فزادگی  
که جنبش انقباضی ایران بیداری کند، خوب کند تر از آن است که هر چه را در  
شرایطی که هر یک را خاتم می کند. - تا به روز ندارد که در ضمن تازان چه اندازه  
رو به صفت نگاه و نظر در دست باشد که بگذارد هر چه از دست  
برود !! بصورت برنده تر از شکر کار بکار نرزد - بعنوان نمونه ترجمه کنیم به  
تاکتیک تعقیب و سرخ گیری زنجیره ای و پاس دادن، تاکتیک برخورد با هر چه  
کردن با سوره - - - اینها تاکتیک های نوین که بلین در  
۵ سال پیش در آغاز جنبش ملی نه ایران بکار برد که بی جا  
در جهت این حرب بلین بدین مقاصد های که آفرین چو کینه

۳- با توجه به مقتضات دوره شناخته کارگری در سازمان و هدفی که این سازمان تعقیب  
می نماید و همچنین که محیط کارخانه برای صاحبان سرمایه و در نیمه بود و او ای ایران دارد  
وقتی این شناخته محیط کار با این شرایط استی رادقیق و نظار در راه ای بکارگیرند

گفته آن را بنده از اجابت آقا امروزه و بار دیگر بپسین گشته کار سوسیالیست  
و بنا بر این شرایط جنبش انقلابی - و بوقلمون صفتی حقوق این امر را تشریح کرده  
می نماید بطوریکه در یک مرحله با محکم کردن سرکشی که از سوره دارد برای رسیدن به  
سرخرهان جدید ... ممکن است - حاصل از دست دادن سوره گشود ... بخون  
در ای دیگر به پیشی توسط عناصر به اصطلاح و جنبه انقلابی است ، علی که هند سازی  
سیر و سراز از زندان فراری دهد تا او بعداً و بنام اعتباری که پیشی می افشاید و تفکر و  
گروهی که زیر دست آورده ، این می فون دیگر چهار دارد " گشت پیشی " حقوقی  
دهد بدین ترتیب پیشی گشته کار سوسیالی ایران حدت حزب بر سر جنبش انقلابی  
ایران بیکار در جلای دانشمند - تهران " بیکار در جلای " ( در لغت نامه ) بیکار در جلای  
گروهی پیشی نظیر " سیر و سراز آنها " و بیکار در جلای ... رنگ ... باز در  
از مطلب دور شدیم ، راستی در باره نکته قابل توجهی که در زمینه شنیده کار پیشی  
سیاسی در این در حدی هم که مورد بحث می گوئیم ، نکته قابل توجه عبارتست از  
آن مسلم اقتدانات احتیاطی که پیشی در رابطه با تعقیب سوره ، در عدل  
تعقیب یعنی سراز در نظر عکس بر داشتن ، نه داشتن که سر سراز ابتدایی  
نظیر سوسیالیست های ترقی همگی در این باره سراسر مناقصه قرار داد ...

۳- بالعون دنیا کنیم تکلیفاتی چه در کار بسته آمدستیم و می در کار نمودن  
اعضای تکلیف هوشیار و حرکت د... اصول طبعی جنب شهرت

این اقدامات بدین جهت است تا چنانچه سوره در یک مرحله بنابر  
دلیلی از رشتن در وقت با در دست داشتن اطلاعات جمع آوری شده از مرحله  
تعیین قبل، مجدداً سوره را به تکرار نبرد. بنظر ما راجع به وسیع هر یک از بوط مجموع  
دوم را با توجه باینکه همان ما در این مرحله بعد از حبس واری دست به یادگیری  
شود از ردهای قدیم و تاس های آلوده، و دیگر گونی در سازخانه های زده بودیم میتوان  
تماماً توجه کرد که این که بنده می بینیم؛ بهر گویی از ز طریق آن که در دوران گذشته  
و تعیینه از سوره های مستعد به دست آورده بودیم امکان مجدد تکرار این سوره را

به دست آوردن است

① از صفحه قبل - در این رابطه توجه کنیم به سبک های تبلیغی هندو صینی در این زمان که چون  
در راه همین سبک و خطی سبک بازیها در راه توفیق است خائن جنود و حقه نبینم از  
تجربه نگاران هر خوار در می نگریته بهاز بر روی طبقات اجتماعی و بر قدرت طبقه کارگر

و کارخانه داران - - - - در می آورد! این امر پوششی است که سیده که

چهار دستگاه <sup>۵۶</sup> سبک تبلیغی ریلی - نظای طبقه حاکم در دستگاه

معنی که هارون را بنوازد آرزو، آن که در راه که چگونه با گریته

و جهت نابود جنبش انقلابی در این حال در هدف از آن نه گرفته است!

از نظرات با تبلیغی است و حیا هندی خواهد جنبش انقلابی را در اندامی سبکی و

انوار از توره ها قرار دهد و از طرف دیگر به سرمایه داران داخلی و خارجی!



و بالاخره این از بدیهات است **جنب نادر** در شرایط خفیان در دنیا تدریس اموزی  
 است که رفقای شناخته شده بدیدرجهت تغییر قیافه بدهنه با این مقصد رفقا  
 هر چند وقت یکی بره های تقوی خود را (حتی الامکان) تغییر دهند  
 تفویض درین ... و در آن کلام گفته که در ستم اعدا است و سرخ لای  
 احمای دشمن از چو ک

← **اهمه** در همه آنکه چگونه ما ستم توده ای یافتن **جنب نقدی** در ایران  
 موجود است بر پایه **آقای پورزوی** - **امیر یاسینی** در **نظم** **آقای آریا** و **آقای آریا**  
**آری** **السکاشنی** **حسن** و **سرکوب** گفته که در بار از طریق از گانه ی **سیاسی** - **تبیسی** - **تبیسی**  
**پورزوی** و **آریا** و **حسن** و **سرکوب** **سرمایه** **ها** **کامیاب** **یاسینی** **در ایران** **اهمه** **در**  
**تدریس** **راهبانی** **ما** **گفت** \* **آما** **گفت** **حفظ** **موجودات** **حفظ** **و** **تأییدی**  
**جنب نقدی** **بیشتر** **از** **موفقیت** **فقدانی** **با** **این** **گفت** **چهار** **مجلس** **بیننده** \* \* **آما** **اگر**  
**خواهیم** **مخالفت** **با** **این** **گفت** **کارخانه** - - - **پروچون** **نی** **اگر** **بخواهیم**  
**جان** **کارت** **در** **مصرف** **فنی** **نظم** **مشان** **که** **آنها** **ذو** **نعمت** **انرا** **در**  
**امان** **بمانی** **بمان** **بمان** **بمان** \* \* \* **و** **حرف** **محمد** **در** **اتحاد** **نام** **معدن** **می** **:**  
**پورزوی** **و** **آریا** **و** **حسن** **و** **سرکوب** **آن** **السکاشنی** **حافظ** **حسن** **و** **سرکوب** **گفته** **در**  
**و** **سرکوب** **را** **با** **قدر** **های** **امیر** **یاسینی** **در** **رأس** **آن** **السکاشنی** **آریا** **و** **سرکوب** **را**  
**\* \* \*** **و** **محمد** **چندی** **می** **بگوید** **که** **نیت** **که** **تجدید** **می** **شود**  
**و** **آما** **قبول** **از** **اعلام** **نقدی** **به** **جهت** **سوس** **آری** **کامیابی** **کارت** **و** **عدت** **بگزار** **کنند** **ان**  
**سینه** **زند** **آری** **در** **ایران** **با** **زار** **را** **که** **در** **ش** **توسط** **استاد** **من**  
 ←

۱- استفاده از سیستم های اجباری جهت حرکت در شهر، اثبات ساعتی  
 مناسب جهت اجراء قرار و مذاقات، اثبات مجازات مناسب جهت تماس گیری که  
 احتیاج بجزکت و یا سوزن در شهر نداشته باشد، تقصیرهای صورت گرفته در اجراء  
 باره ای از قرار ۹

۵- استفاده هوشمندانه و قاطع و بجا از قدرت است که چرا که، نظریه امکان  
 سید هدایت جنور از تقریبین ۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر (البته قانون کلی نیست) نمونه آردگیری بر این  
 روش - شواهد - ... در واقع در شرایط حقیقی کمونیسم، در شرایطی که دشمن با  
 الکتیک های متغیری در کجای و خفا، باین بدین شکل میگردند، احتمال وقوع  
 چنین حوادثی را میسرند - بنابر چیز عجیب و غریبی در این سیستم تنه میزند که با هوشنداری

۴- آمریکاییان نیز با این خانه از اجتناب از ... اولاً با اعلام آفریکایی بازرگان  
 و سرمایه - بازاری که دولت و دولت دیگر از کشندگان سرمایه ~~در~~  
 ضد تروریسم در ایران واقع در راج میگردند آفریکاییان هستند و کارهای دولت  
 مورد استقبال قرار گرفته اند، میگردند. امروز نام کمپان در مقابل شرکت - عنوان:  
 «صنایع ضد تروریسم و آرام در برابر آفریکاییان در مقابل شرکت - عنوان:  
 ... در ایران در اصل شرکت های بزرگ آفریکایی در زمینه های در مورد  
 تروریسم شرکت نموده اند، چه این چند دهه پیش هیچ منظور در تهران  
 تکیس شده بود، عده انگلیس هم در آفریکاییان را احب کرده و در بسیار  
 گفته شده است از کارکنان شرکت "ارکول" در وین هیچ چیز بدست  
 حضور ریافته ۲۲ - چه ریشه ۱۷، ۹، ۵۵

تمام حرف را همواره آنگاه بران مواجد و عوارض که در آن تو درین شبهه نیستی نه تسلیم

۶- تفسیر و تحول و درگرگونی در فنای زمانه می آید که در حال حاضر شروع شده  
والله باید باز هم تکاملش در آن مآلک بنده است بر این اساس از اینک تفاوت جنس است  
چنانچه ناپدید می برایش به هم نظر را نگاهان از کف کنیم (کتاب تفسیر)

۷- در مآلک گریه های بیرون از مآلک، بنظر هر کس که از نفوذ و دان سخن از مآلک

۸- از سستی می آید به جهت تفسیر و سستی است. - استغاره کرده

۸- در مآلک گریه، عناصر حرفه کار محسوسه است که از آن نیز و غیر مستدل برآید  
در شرح این گفتنی به احتیاط کرده

۹- تقدیر است از طباق هر چه همیشه در آن هر چه می محیط. در این رابطه مناسب

مثال ۸-۱۰- رفتار در مآلک در مآلکها طوری است که کوچکترین مشکل کسی از این مآلکها  
و در آن قدم با توجه به شرایط است این همه و کجا و جایی که مردم در مورد زندگی حرکت  
دارند حالت بار در حالتی از آن مآلکها زندگی چنانچه در مآلکها زندگی در آن است آن

در عمل در وقت و است با بنده جنبش انقلابی ایران بگوشیم

۱۰- با توجه در مآلک تجارب گذشته - آفرینش و تجارب در مآلک و بدون

سازمان بر جنبش تجارب فرا مبارزه با عیسای مسیحی ایران باقر استیم

۱۱- کار هر چه است که در مآلک است از پرده آن مآلکها که

می تواند در خدمت جنبش انقلابی در مآلکها و غیره در خدمت ارتقا و فن

مبارزه با کسری سیدی - مورد توجه قرار دهیم .

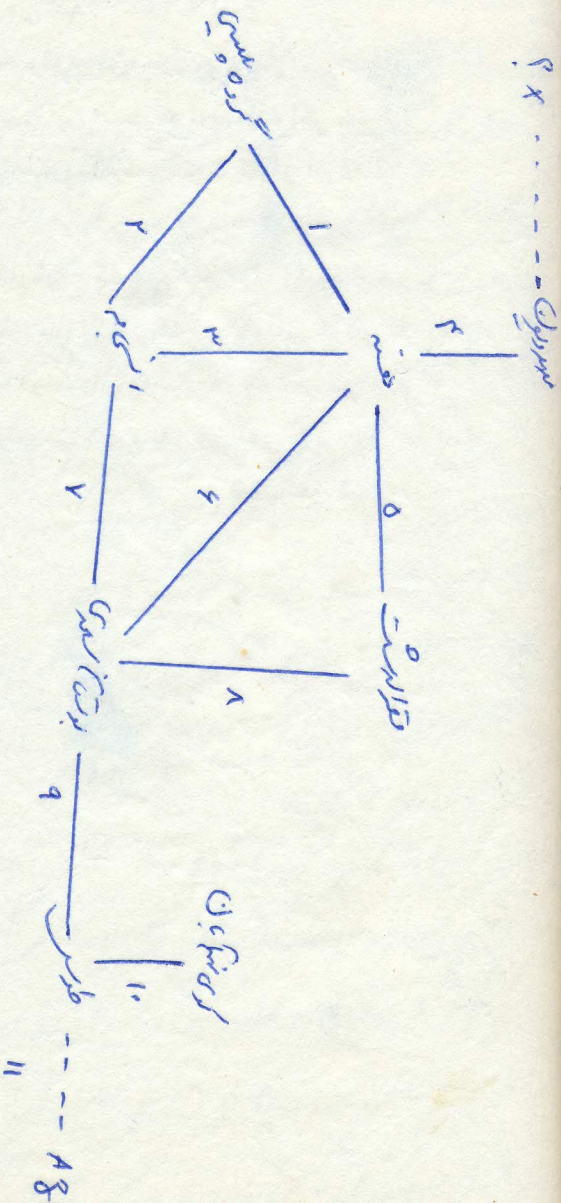
جادم اسم باک حافظه سیدار انقداری

هر چه از دست ما بر هوشیاران حرکت

و خدمت انقداری

۵۵, ۱۱, ۱۹





ساختار ارتباطی در مدل شروع اولیه تحقیق

توضیح در باره شماره ها در ضمنی به ماده است

توضیحی در بارهٔ تسمیهٔ گلدان عیارانی

۱- در مورد اینکه هفت چطور بگردد پس سیموس بنامی سرخ زاده بوده است و صاحب سقوف  
به غیر که رفیق صوری در گزارشش بدان اشاره کرده بود پس بر این معنی در گری  
نمایان ظریف الایم، نهایت رفیق سرد در لایونوس با نفوذ زکوه پس سیموس و شش  
همینطور که سیموس ای بی در سیکر رفتی هسته با گرد و هوا افزار - بجز هر یک است  
آلوده و منجبهٔ سرفیق سرد در با کمیتهٔ آن که بطور شخصیت نظر کرده می تواند  
سبب است جهت ظاهر بین سرخ زاده باشد

۲- در صاحب سقوف به همین نظر است و نظری می نماید ( --- )

۳- رابطهٔ این دو گروه به نسبت بودند از رفیق محمد اکبر اکظمی و رفیق  
این رفیق --- در کتاب بیای رفتی با یک کتاب قرار داشت

۴- رفیق وحید از رفتی هسته با رفیق --- از رفتی مهدیون در رهٔ  
بود که هر انوار وحید اجاز قرار گرفت و دستگیر می نمایند

۵- رفیق آلا یونوس بعد از آن رابط از طریق محمد اکبر اکظمی  
هسته قرار داشت

۶- رفیق وحید که در بایگیاه بوستان سعدی بوده بود و محمد اکبر اکظمی  
در کتاب سقوف در رفیق وحید در کتاب گری می محمد اکبر اکظمی عکس برداشت

نموده اند در رفیق وحید اخیراً بعد از اجاز قرار سیموس در رفیق  
زمنی میان دو قرار بین می ای و بعد از فکر تو سقوف نزدان در وقت سیموس

۴- قول سیموس در بارهٔ سرفیق

- ۷- رضی و حبیب؛ شکلی در رابطه با رقصی گروهی است که در این کتاب آمده است.
- ۸- رضی صوفیه از این رقص اخیراً ترسیده اند و آن شناخته شده است و در بعضی از رقصها نیز در رابطه با رقص ادویه تقیه، تقیه (محبوب) و رقص ...  
ارتباط میان ادویه تقیه و رقصی است که در این کتاب آمده است.
- ۹- رضی معتقدند که رابطه میان رقصی که در این کتاب آمده است با رقصی که در این کتاب آمده است  
بسیار شبیه به رقصی که در این کتاب آمده است است.
- ۱۰- رضی نگاه گاهی میان رقصی که در این کتاب آمده است و رقصی که در این کتاب آمده است  
آنها شبیه است.
- ۱۱- رقص معتقدند که از این که ارتباطی در رقصی که در این کتاب آمده است است.



۱  
«ضمیمه شماره I نشریه»

در بطریق مذکور از کار نشریه بی تعلیم و تربیت اینک نیز دیگر دستورات رفیق  
دیگر - رفیق مریوم - مداحه نسیم - امیر علی تاشکی این ضمیمه - هر نظر از نشریه  
ماهیت استراژیک دارد و از آنجا که بر غرض استراژیک و اغلب مباحث - برداشتی  
نشدند و در نظر ما در همین نشریه نامیده می نماید که بطریق مسیله برای  
بزرگان اختصار یافته بود امروزه در میان کوشش و سستی بزرگ در مناطقی که از آنستیم چندی  
علاسی برخوردار است - بی طریقت و آمدن - بطوریکه با ناهای بطریق مختلف  
لازم بود و در سوار خیز بی سیم گرفته تا ما شنیدیم که ای کاشی - - - - - امروز  
مشکوک لاگزادش، مورد تعقیب و بازرسی می نهد - - - - - و از همین رو در واقع امروزه  
فانکت - ای زبانی برای اثبات اینست که کتب سرخ تیر و هنر بزرگ از طریق  
کثیر بهر منطقه ای - - - - - کم به نایب وارد می جوید است. این در زیر می خوانیم  
بر تعداد اینک بر همین دو لایه می قرارید. زیرا شرح این در زیر را با همواره  
و با توجه با نایب هنوز خبر کاغذ روشنی از کم و کثیف قضا یا ندارد \* می آوریم.

---

\* - دلخواه چنانچه موردی در بیان شرح و تقسیم و سیم تیر عام حاصله از آن استنباط  
صورت گرفته؟ هر چه از رفیق می بینیم در این جنبه تر هنر هسته خوانیم تا ما را  
در این ای قضا و قمار در راه استباحتها تقسیم کرده.

رفقا B در حالیکه ساعت ۱۲ الی ۱۰ بعد از ظهر با تفوق فریبگی  
 خیابان تنگابین و هدایت ..... قدم میزدند ، رفقا D و C در همین اوقات در  
 کوچه خیمه معظم بوده اند . گوید رفیق C جهت تماس گیری با رفقا B و A ساعت ۱۰:۳۰ از  
 کوچه خیمه معظم بطرف خیابان میروند و بعد از طی مقدار از مسیر که ما بدین نذر رفقا  
 A و B بکوچه خیمه معظم برسیم \* رفقا B و A ساعت ۱۴:۳۰ به کوچه خیمه معظم  
 می رسند که با رفیق D ملاقات می کنند و مانند رفیق C که بطرف خیابان رفته بود  
 ۱۴:۳۰ می آید رفیق B و رفیق C چون با هم کار داشتند اندک زمانی در آنجا میمانند  
 ( ساعت حدایی ۱۴:۲۵ ) و با عبور از کوچه خیمه معظم بطرف خیابان میروند  
 در اینجا که گفته ما در این زمان واقع تو ضیح دهیم که کلام این رفقا در فواصل زمانی ۱۴:۳۰  
 الی ۱۴:۲۵ دقیقه در ترکیب های مختلف یک نفر " وقتی که نزد رفیق D در کوچه خیمه  
 مستقر رفیق C بجهت ترکیب در فواصل " D و C " ، ترکیب دو وجه  
 " A و B و C " و " ترکیب چهار نفر او بی و " را تشکیل می دهند و چون در همین این  
 کوچه بوده اند بخند هم میخوردند و با هم در ارتباطات خوب میبودند و ما از نظر قضای  
 و شکل استعاره کار آنها ..... با اطلاع نیستیم و لذا آنها را نظر هم نمی توانستیم  
 جزئیات قضیه بعین آدرم اما اولتت محبت می توان نظر داد که بیان در بررسی  
 تا کسی ضرب اشکرت خدا هم کرده . رفقا C و B ( در وقت طبع خیابان فی آباد  
 با گروهی میظفر - که پیش آن که جهت ) متوجه حضور دو انبیا  

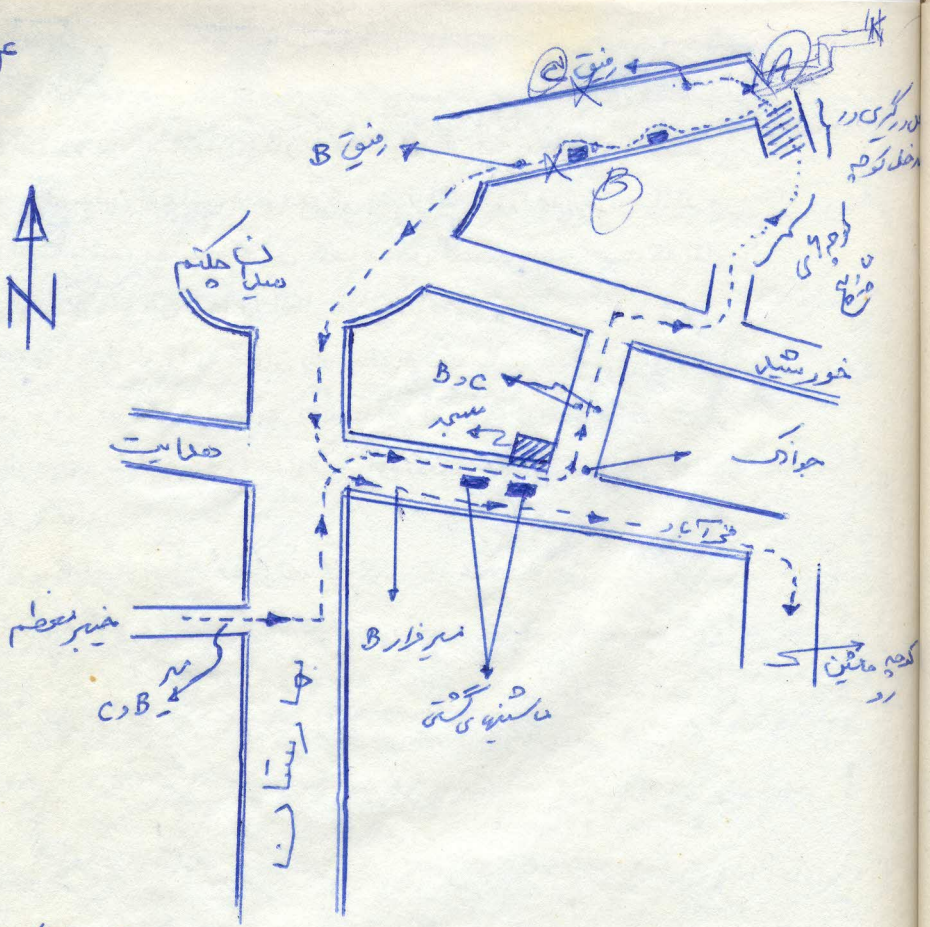

---

\* - علت این رفت و برگشت رفیق C آن بود که گوید رفیق D در دریا سم کوچه  
 در آنجا میماند که به کوچه و ملاقات می شود تا آنجا که رفقا A و B را کوچه ها استیابی  
 میخوانند و رفتند آنجا میمانند که متوجه می شویم .

که در آن است و در آن کوه و افق در پس از داخل  
 در این نگاهها به رفاقا B در آن است (ظاهر این رفاقا متساوی بود و در پیشتر نسبت  
 خوبی داشتند). رفاقا در این است که در هر طرف جبهه آن غرض شده و روند  
 و اینها را هم چون کوه میدان استاده بود که در این است و در آن است که در آن است  
 مسعود این رفاقا به من جبهه دارد و در وضع آن جبهه آن در آن کوه ای شمالی جبهه  
 خورشید شده و در داخل کوه های هیچ در هیچ طرف میدان بگنجد و روند و  
 داخل کوه ای است بر شان کسی نبود و در بعد از طی مسیر نسبتاً طولانی این کوه  
 در آنجا قرار گرفته بود که فرود آن در این است بر شان آن است. (القدر  
 آنجا با بیشتر بود است) در همین موقع رفاقا حرکت خود سرعت داده  
 در سریع شروع به دویدن می کنند که فرود آن است در این موقع در این موقع  
 رفاقا B است که در آن است و در حالی که در آن جبهه میدان در آن است  
 غرض از این است که در آن است. رفاقا B در آن است و در آن است  
 نسبت جنبه فرار کرده و در آن است و در آن است و در آن است  
 که در آن است و در آن است و در آن است و در آن است  
 و نسبت همین است و در آن است و در آن است و در آن است  
 قرار گرفته و با قهول جبهه از یاد بر نماند که این است.

در همین بعد تمامی مثل ترسیم شده است: ۴

Handwritten text in Persian script, including several large, stylized letters (A, B, C) and dense cursive lines. The text appears to be a list or detailed notes, possibly from a manuscript. The writing is in an older form of the Persian script. The content is largely illegible due to the cursive style and the overlapping of the large decorative letters.



لازم توضیح است که این پلانها هیچ وجه دقیق نیست و مدارات و خطوط صرفاً برای  
شماره - توسط م فوارها و آمار (شماره) بطور تقریبی کشیده شده است.  
لازم است تا در فضای مطلع از این جریان، همه درگیری و گمنام در ... را  
باید در محاسبات لازم در اولی زودت برابر فرستاده ام. نقلی در اصل  
دارد تا تحقیقات لازم را انجام دهیم.



تساخنه به لیل نه استن الطبع دقیق از زرقصایا و حقیقت رفتار سه نقطه در تور  
 پس افکارند و . . . . . نمی توانیم از نظر گاه نظایا در حال حرکت به محس  
 این درگیری بزینیم - امری که حتماً باید توسط رفیق درگیر شده صورت گرفته تا  
 نقاط ضعف وقت موجود در آن مورد بررسی قرار گیرند . . . . . با این حال آنچه  
 را در وقت حرکت مستان در رابطه با این درگیری اظهار نظر نمودیم است و زینم اولاً بار در  
 و پیش بینی در جهت پیش بردن آنست که در شرایط فعلی همواره به احتمال درگیری و امتداد در تور . . . .  
 به جهت در شرف کوه پس کوه . . . . . محتمل دانسته شود و هویت را نه ای برای  
 و راه حرکت تواریسی از هفتاد و نه نقطه حرکت افقی نشان داد **★**  
 با بار هم جسم بیشتر به قدرت آنجا حرکت افزودند ، هند در داده کار بر حلق  
 و پاره ای آن قدرت آنجا حرکت می تواند در جهت حرکت از تور پس هنوز واقع شود  
 تا آنکه بار در جهای ابتکاری در زمینه حرکت در شرف و نقطه قاتلگی حرکتی در شرف  
 همیده این مرحله - همواره با لیت حضور از زمان به تور پس در شرف . در این رابطه  
 بنظر ما چندین رفا B و C بی حرکت در کوه و پس کوه و حیابان در حرکت فقط  
 ثابت (مستعد گانه قناری - اتوبول در) اقدام به تماس گیر و صحبت می کردند  
 بسیارند یک تراز آن بوجه حال است ۳ در این لحظه حرکتی نظیر فخر آباد  


---

**★** ما در اینجای پاسخ به این سوال را که " آیا از رفیق B از زینم نقطه ای باز هم  
 بیشتر به خود دار بود می توانست موجب حرکت جبار رفیق C هم نشود ؟ نه ؟ در لیل کمی  
 اطهری - از وقت شروع سوراخ جیبی در شرف . در طول نه تا یک اطهری بیشتر در شرف  
 خود در رفیق B

و غیر معظم حرکت گفته . چهار اینکار کافی بود . تا رفیق B بعد از آن که با رفیق C بی  
 آمد با اتفاق با او حرکت کند . به جهت آنکه اشتباه یک قدر بعدی از او جدا  
 در یک نقطه است . مثلا در کافه قدری مستطرا و منبینه . در واقع امروزه هر کس  
 در دفتر از جهت پولیس لیدر شکرت گفته است و لذا این بعد از آن که  
 لغت از هم جدا شود تا پیدا کردن یک محل مذکور در ترکیب هر تفری در  
 شهر حرکت کرد .

این امر از جهت اجتناب از حرکت در شهر آنهم در ترکیب های دو نفره ( ... ) حرکت  
 یک نفره در شهر عرضی حتی که دارد عبارت از اینست که صورت افتادن آنها می در  
 تدریج احتمال مشورت است . همانا کمتر است همینطور در صورت درگیری یک  
 نفر در تیریس و شمن است تا در دفتر در واقع و به بیان ساده ای اگر به دست عدم  
 مرکز در یادها و انگب باید در حرکت در شهر نیز تقسیم کنیم و با جدت غیر تیریس  
 منفرد - در حرکت کنیم . برای آنکه برای از کانون های است . حتی الاحکام  
 استاده کنیم . این امر بزرگه و وسیع است . اهمیت مسکنه که توجه کنیم که افعال  
 در کنترل منطقه ای مخرب بود . ... متبرانه اینجاست که در A, B, C, D فاصله  
 زحمتی زوری در آن منطقه در حال گشت و گذار بوده اند - اینها در ترکیب های گوناگون  
 که چند نیم توسط آن میزان گشت موتور و عیای بر سه پاره میسیم حرکت -  
 تر ارس داده است . به باب چهارم در این منطقه است نظر و کنترل قرار  
 داده بوده اند . . . . .

آخرین نکتہ در مضامین است ترکیبی در سوره عبودت از این پنج چیز است که از این سوره متوسط  
 عناصر صفت زاده شود و کلاً پیش نشانه صفت در ضمن در واقع با یک  
 ترویج نایزده . همت اجتناب از رخ دادن چنین مواردی که بعد هم نکتہ -  
 الزاماً باید از جمله های ترکیبی در سوره یکا هم .



این سوره در سوره عبودت است که باید که با دیگر سوره نظرات و در این سوره  
 نیز باید هیچ شرح تفصیلی آن را رعایت نمی آید

الف - این سوره فقط همت استقامت بکار خدای را ارجح می نماید در همت آنی که با  
 سوره الفتح استقامت کاظم ... داشته شود و سوره الفتح در سوره الفتح ...  
 همت است و این سوره طرد رفیق مانگی را در کنار مقدساتی تعین می آورد و سوره  
 استقامت میگوید همت آنست که به هم با دره <sup>حفاظت</sup> ~~حفاظت~~ کاخانه - بکنیم و سوره  
 مطح میمانند که <sup>حفاظت</sup> ~~حفاظت~~ با این سوره را باره سوار رد کنیم .

این سوره را در کنار سوره الطهر عتی که در سوره است ترکیبی است از این سوره  
 پرده را به همت آورد و طاعت عام که در آن سوره است ...  
 سوره الطهر عتی که در سوره از قبیل دست خط با که در سوره آن سوره  
 آمده که « رفقا را بجا ، خانه فرستادیم ... » و عارفی که مشغول  
 دستگیر کرده و بعداً کاشف بعد آمده که در کاخانه کار سوره است ...  
 به این سوره اختیار و در سوره هم بگذاریم و آنوقت <sup>حفظ</sup> ~~حفظ~~ از سوره

امکان سنجی در این از طریق کاخانه - هم در رابط با غیرت اخیر و هم غیرت  
بقوه و محمل بعدی - تا چه اندازه بتواند امر جبار و خطای آن را

ب - اخیراً در رابط با این از نگاه هر رفتاری فدایی دشمن در نگاه تبه و نشسته  
دازیم هیچ طریقی از رفتار فدایی با برت یا برت در این . این امر هر فنظار  
اینست که می دهد چگونه پلیس سیاسی گفته کار ایران نباشد اعتبار خوزری در راه  
حسین و جانشینان که در آن بر میجو حبه آن که شده تا کسی هنوز آتیز  
می یابد در همین حال امر حصار رفته از بهارت که در بر خور می آید اصل است استی  
خانه آن با نگاه نظر خوش خندان عمل کنیم . بویژه در مورد رفتار که با محمل کار  
با نگاه تبه کننده و در رابط با برت میان در نگاه با عتقاد از زبانت با نگاه  
خانه است در راجه به با نگاه حجت سلامت در ... به این با حضور در کار با  
عمل کنند همین طور هندو با خانه با نگاه راه حکم ترکت - ضوابط سلامت  
... در ضیق آبرو انصر اول محکم کردن ضابطه ای که در ضیق رابط - حال  
سلامت دهی با نگاه - در ضیق این هم با نگاه است که است بود موفق مسعود  
که در منزل یک مرد از تبار و دلتا در پلیس خالی است

\* \* \* \*

\* \*

\*

« چند نکته جا افتاده و تکمله در رابطه با متن نشریه »

نکته اول: در مورد تقصیرها و غیره که در متن اصلی درج شده است هر دو از پیش از  
توضیحی است که در نشریه آمده - نظریه قبلی آورده بودیم اصطلاحات جدید در دست  
ناریم. با این حال برای آن که جزایان لغوی از غیرات ... گاهی راه مختصر در دست  
مجموعه نشریه آمده - نظریه آورده باشیم. بخش در رابطه با ارتباط گروه اسباب\*  
با سایر اصطلاحات از آنجمله « مندرج در نشریه قبلی - لغتنامه آوریم.

« گروه اسباب از دو طریق باقی سازمان در تماس بود. <sup>با اصطلاح</sup> رفیق تو سلی یکی از رفای  
اسباب در ابتدا مقداری پول از طریق رفیق صامی از همین سازمان میگردید و بعد  
که در ضمن قرار بوده پول بیشتر را جمع بفرستد شود. سرودن تقصیر می گردید که هر دو  
با رفیق تو سلی تماس بگیرد این تماس در مهر ماه بوده و پس از آن از رفیق تو سلی  
تجزیه شده است. تماس دوم اسباب با سازمان پلیسی تا همین اواخر و  
شماره رفیق صامی ادامه داشته است. »

ضرباتی که گروه اسباب در طی اسفند ۱۳۵۲ دستگیر شد <sup>ساعت</sup> <sup>سازمان</sup> است:  
\* رفیق الف: <sup>بسی از رفیق</sup> که در ارتباط با رفیق الف بود که در جریان کربلا  
گفته شده تا زمان ... و پس از آن جوید و بازرسی بدی آنرا در مشق عبیر غم این  
افتخار اسباب این منور را حقیقی تمام کرده و در نهایت در اینک می نشاند، چند  
روز پس از آن جزایان رفیق الف <sup>طریق</sup> که معلوم نیست مورد شناسایی قرار گرفته  
و شبهاست می رسد این از راه رفیق الف چند تن دیگر از اعضا که

گرفته است بطرف قطع شده و از سر نویت آنها (طعمی بندت .

★ سه تن از رفقا اسلحه ( P.E.D ) سر از تصفیه ای طولانی در حال فوری  
 به یکدیگر برگردان کرده و برای نخستین بار یک خیمه میزنند. در وقت حدود یک ساعته که رفقا در کنار  
 خیمه مشغول صحبت بودند محرز شد که یکی از هدیه های گرانگذا رفقا از ایزدبانو خارج شده بود  
 یکی از خدایان به نام اقبال بر سرش نشانی است که در تنظیم قرار گرفته است. همین  
 خدایان و تقاریر است که هدیه های گرانگذا بوده است. رفقا در آن لحظه  
 متوجه در رفیق ۴ پیاده مرفوق به خارج شدند از منطقه مشیون فوار چون روز رفیق ۴  
 خانه مشیون که به رفیق ۴ داشته خارج شده در آن مراجعت نمیکنند.

★ رفیق ۴ نیز اهلیه اربابش قطع شده و به احتمال زیاد دستگیر شده است  
 ..... ۲۲ به نقل از شدیم اینست لفظ به پیشین



نکته دوم دستگیری و بازداشت در شمال از رفقا است که در متن آورده شده بود

دستگیری رفیق سبحان را اسم استعاره :

این رفیق در تمام دوران که رفقای هسته هست تقویت ... بودند به نحوی در ارتباط با  
 این رفقا چهار دست و پا به راه از آنجا میگریزیدیم چنانچه سازمان با رفقای هسته  
 تا طرف رفیق سبحان صورت گرفت. بعد از آنکه رفقای هسته زیر آماج است

و بعد شهر منسوب به سیر قرار گرفتند از طرف رفتار مشول شعبان بر وفق گفته شد که  
 تا به این زمان قطع نگردد تا به قطع شود در وفق شعبان در هر ماه گذشته در  
 شهر ابطح که بکار کارگری میرفت - و تا سه چهار روزانه داشت سر یکی (تخراب)  
 در حاشیه منسوب بعد از آن عبوری و نه ... .. از اجرائی کار از وفق  
 طالب هم با یکدیگر از نیز خبری نیست (وفق طالب نیز بکار کارگری میرفت)

احتمالات قابل بررسی در دستگیری این اتفاق - در شهر که هیچ وجه از کتب و گفت  
 دستگیر ... آنها (قطع ذاریه) - عبارت خواهد بود از:

الف - در ادان غیر مستقیم سراج تعقیب به که در حلال آن سرگیری با رفتار هست  
 ظرد و طایم، وفق شعبان بعد از آن سوره تعقیب شناسایی شده سوره در در کتب  
 از تواریخ خارج شده و مجدداً با توهم شخصی که از ادان است به قدر افتاده است  
 احتمال دوم: در رابط با محیط کارخانه و بویژه بدین کیفیت فاحش تجویز

به تو بلیس افتاده است - احد در وفق به شعبان و طایم

ب: عدم رعایت و عدم انطباق از آن چیزی که محیط در رابط با محیط کار  
 به علت دستگیر در رابط با محیط کار

ج: با اثر مثبت اتفاق و توریسی وسیع در بین شهر



«دستگیری محمد صالح و ... = این وفق در دست

۱۵ بعد از ظهر روز ۱۱ آذر هنگامی که بارش در آن خنیا بنام ابوسعید را از شمال به جنوب  
 قطع مسکونه از سد جنوبی و اولر مشکوک شد ۱۵ آن که چند روز پیش داشته و ب  
 آنه نگاه مسکونه از (بسیار این در وقت هم بکلی که تا یک داشته این  
 در وقت میدان شاپور با هم رفتند و در آنجا چهار ۱۵ ۸۱۵ پس از آن از وقت  
 صاف خبر نمانده است. اور ساعت ۱۶ و ۱۷ در وقت ۸ (سین که در قطر ۱۶  
 ۱۵ روز تا ۱۷ ساعت. وقت ۱۸ نیز هنوز میدان ۱۵ است.

احتمالات قاهر بر روی در این را بط عبارت از :

- الف - عتت هزبه صحیح مشکوکت وضع وقت و تا تک برون سبب آنها بود
- ب - وقت سوار ۱۸ هزبه غمزه ام - به طریق ۱۸ قرار الوداده است
- ج - ۱۸ نیز تقیب لبوه دستار حمله را در کنگه کش ۱۵ آن
- د - از طرف سبب وقیافه وقت که صدق ... که در تقیب های (همای قعی)
- ه - ختت ۱۵ ه با ف بار در وقت به یافتن سواره و عمل کردن در آن ۱۵ آن
- ت - پس از وقت (عجم صفاق ... و یا رفتی که با در ساعت ۱۶ بوده)
- ث - سبب داشته است - حال بدین - که سبب از راه می تواند نفوذ را پس پس در جمع
- ج - در جریان تقیب که محمد صفاق را نیز ادبی به تقیب
- براه در کنگه اورا به توانا داشته است

ش - همکلام - یعنی ضرب کاهله آف آف لبوه (البته بتفسیر کلام و زده ۱۵ آن  
 کلمه "اندق" لغوی باین معنی که شیوه ای ضرب و نفوذ رکن در زمان ...  
 امروزه از هر قانقند و جوان و آگاهی وقت تمام تعقیب کرده با فرد را که  
 و لذا هم در تور حلی که پس بین همکار خلیج بره عن منته. سبب مثال



در بنا هر چه که خیزد نظیرت هیزد و در زهر و افسال هم مدخله میکنند در آنست

و چون بپسین هیزد و بالاست و اینها را که چون بر شعور و نورک را از جانب بپسین

ایران بنامش میخوانند و بگوید بالعکس در وقت عکس آن است و این اثر جری آن کافه است

و با نغمه و در شعرات

« تقدیر نشود این استیلاطی شماره تن یا مکار  
درد و توقف در طلب آن »



### شهادت رفیق الکریم ..... در کوی رباطا کریم :

در تاریخ هر ماه رفیق اکرم بنام تقسیم رفیق مسئول و بار قالی هم با کجا هم است  
همه تخته خانه با کجا هم که تریب چندین ماه لغت آن را بطور نظم بنده کتبه  
گزاره بودند اقدام بنده که توسط الای محل - لقا که در ارتباط با وزارت  
صاحبی نه بود و کجک آن - و کتبه لغت در رفیق با جمال زباز از  
طریق سیدان خود کس می نامید - آنچه که در کتله این شهر به مجوز است عبارت  
از اندیشه این شهر به نه در ارتباط با مخرج اولیه تعقیب و نه در ارتباط با جو  
کلام ... نکرده ... قاهر کتله می باشد کتبه کت به سر برد  
استبسی با هسته این کتله که در تقسیم کتبه رفیق تقسیم کتبه

این کار بود راست. لذا ما خواهانیم تا رفقای که بصورت تپبی در تقسیم بر این  
 شده حالت داشته اند در فرصت مذکور است به بررسی همه جانبه از در عمل بپردازند  
 این فریب و استبداد بزنند. در این مورد روشن است که رفقای تقسیم کننده در اقدام به تکلیف  
 ماه نگاه نمودند و کوی نهنگ آبان ماه بحسن حال خود را بطور مستحضر و حکمت ارتقاء  
 تجارب سزای --- ارائه دهند

در هفته خزانیم تا اگر رفقا اطلاعات بیشتر از قضای مربوط به  
 مسائل اخیر --- در دست دارند یا اگر کرده قطعی کرده  
 نشریه انجمن (نظری) ارسال دارند.

